

عاشقانه‌هایی با زبان بی خط و بی الفبا

«گزینه اشعار»

کیان نیاو

ترجمه کیومرث نظامیان



سرشناسه	خیاو، کیان، ۱۳۴۹ -
عنوان قراردادی	آه، گوزلرینده دوغولماق، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	عاشقانه‌هایی با زبان بی‌خط و بی‌لقبا "گزینه اشعار" / کیان خیاو: ترجمه کیومرث نظامیان.
مشخصات نشر	بستان‌آباد: سونا، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	۹۱ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۵۲۱۲-۱-۲
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبیا
موضوع	شعر ترکی آذربایجانی -- ایران -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده به فارسی.
موضوع	Azerbaijani poetry -- Iran -- 20th century -- Translations into Persian
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده از ترکی آذربایجانی.
موضوع	Persian poetry -- 20th century -- Translations from Azerbaijani
شناخت افزوده	نظامیان، کیومرث، ۱۳۶۵ - مترجم
مبندی کنگره	PL ۳۱۴ / ۶۹۶۷ ۱۳۹۷
رده‌بندی دیویی	۸۹۳/۳۶۱۱
شماره کتابشناسی	۵۳۹۹۳۱

عاشقانه‌هایی با زبان بی‌خط و بی‌الفا «گزینه اشعار» کیان خیاو

- * مترجم: کیومرث نظامیان
- * ناشر: سونا
- * حروفچینی و صفحه‌آرایی: آذیر کامپیوتر
- * تصویر گر: حوریه هاشمی
- * چاپ و صحافی: چاپ اولدوز
- * طرح روی جلد: مهدی میمن‌دی
- * نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۸
- * شمارگان: ۱۰۰ نسخه
- * قطع و تعداد صفحات: رقعی - ۹۱ صفحه
- * قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان
- * شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۲۱۲-۱-۲



بستان آباد، خیابان هلال احمر، کوچه وحدت، پلاک ۲۲
 تلفن: ۰۹۱۴۳۳۱۸۴۰۱ پست الکترونیک: sonapub137@gmail.com
 وبسایت: www.nashresona.ir اینستاگرام: sona.pub

کلیه حقوق چاپ برای ناشر محفوظ می‌باشد

فهرست

۷	مقدمه مترجم
۱۳	مصاحبه‌ی مترجم با شاعر
۲۵	سوسنبر
۲۷	به سوی سر سبزی
۲۸	مرا از چه چیزی ترسانید؟
۳۰	تابلو
۳۱	آخرین بازمانده از دیوانگان چنلی یئل
۳۳	کو؟ کجایی ای یار
۳۳	ابروهایت بیستی از یک غزل
۳۴	مهمان
۳۵	آزادی را از چه چیزی ترسانم؟
۳۶	دختر مرگ
۳۷	در برج شاعرانگی
۳۸	من به اندازه‌ی تمام شاعرانگیم تو را دوست دارم
۳۹	راه مه‌آلود
۴۱	مثل اینکه...
۴۲	اگر مرا در دریای خودش بگرداند!
۴۴	زیباترین آینه
۴۵	آه بیچاره‌ها!
۴۶	مرگ
۴۸	دیگر برای نوشتن چه چیزی دارم؟
۴۹	صخره‌های خونین
۵۰	سایه‌ی موج
۵۱	ستاره‌ها
۵۲	چشم‌هایت همچون شب‌های تبریز
۵۴	جستجو
۵۵	آزادی
۵۷	زبان شعر
۵۸	کوه درد
۵۹	عشق بازی با غزل‌ها

۶۰.....	وقتی چشمانم را می‌بندم...
۶۱.....	نامه.....
۶۲.....	شهر.....
۶۴.....	الوداع.....
۶۵.....	یک اتاق دنج.....
۶۷.....	منت.....
۶۸.....	در برابر کتابفروشی.....
۷۰.....	لبریز کن مرگ را بنوشیم.....
۷۲.....	در دریای ساعات زرد.....

www.ketab.ir

مقدمه مترجم

کیان خیاو (توکل کیانی اصل) در سال ۱۳۴۹ در مشکین شهر متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به اتمام رساند و فارغ التحصیل رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز می‌باشد.

اولین شعرش «در ستایش مادر و دومین شعرش را در باره‌ی شهیدان به زبان ترکی آذربایجانی نوشت. شعرهای اولیه‌ی فارسی‌اش در «آینده سازان» و بعدها در روزنامه‌ی «سلام» و «آینده» مجلات «وارلیق»، «یول»، «مهد آزادی»، «آدینه»، «فجر آذربایجان»، «بیک نور» ... منتشر شده است.

کیان خیاو نزدیک هفت سال در تبریز زندگی کرده و مدت ۵ سال در مدارس میانه به عنوان دبیر مشغول به کار بوده و هم‌اکنون به عنوان دبیر زبان و ادبیات فارسی در مقطع پیش دانشگاهی در زادگاهش مشکین شهر مشغول به کار می‌باشد.

اولین مجموعه‌ی شعرش «آه زاده شدن در چشمانت» می‌باشد که در سال ۱۳۸۷ توسط انتشارات اندیشه‌ی نو در تهران منتشر گردید. پره‌ای سوخته از بوسه‌ی مرگ» عنوان دومین مجموعه شعرش می‌باشد که در سال ۱۳۸۷ از سوی انتشارات یاشماق در تهران منتشر شده است. سومین مجموعه‌ی شعر کیان خیاو با عنوان «در دریای ساعات زرد» در سال ۲۰۱۰ در باکو و از سوی انتشارات قانون به چاپ رسیده است.

کیان خیابو در سال ۱۳۹۰ مجموعه‌ی شعر مشترکی با نویسندگان و شاعر شناخته شده‌ی آذربایجان، خانم رقیه کبیری، با عنوان «توده‌ی دو خاکستر در یک اجاق» را از سوی انتشارات یاران در تبریز منتشر کرد که در سال ۱۳۹۱ برنده‌ی جایزه‌ی بهترین کتاب ترکی در سال ۱۳۹۱ شد. وی همچنین در سال ۲۰۱۴م. برنده پنجمین دوره جایزه‌ی بین‌المللی میکائیل مشفق در باکو شد که هر ساله به مناسبت روز جهانی شعر برگزار می‌شود.

در کنار شعر، کیان خیابو نویسنده و نمایشنامه‌نویس بزرگی هم هست. نمایشنامه‌ی «نمی‌توان گفت» در سال ۱۳۸۹ در مجله ادبی «ایشیق» منتشر شده است و نمایشنامه‌ی «مرگ مؤلف» نیز در سال ۱۳۹۲ باز از همین مجله منتشر شده است که هر دو نمایشنامه فضای آبرورد دارند.

همچنین مجموعه داستان «نام او سه نقطه» در حال اخذ مجوز جهت انتشار بوده و دو مجموعه‌ی شعرش «نیمی انسان، نیمی پرنده» که باز کار مشترکی است با خانم رقیه کبیری و «یک اتاق دنج» نیز منتظر اخذ مجوز برای چاپ می‌باشند.

هادی قاراچای شاعر و مستعد شعر ترکی — آذربایجانی در مقاله‌ی «شعر معاصر آذربایجان» در مورد کیان خیابو چنین می‌گوید: «زیبایی‌های زبانی شعر کیان خیابو با آن گریزهای زیبایش به مرثیه، به زنانگی، به انسان و هر آنچه که حرمت انسانی است را از سر می‌گذراند، همین جا دایره‌ی می‌کنم که آقای کیان خیابو از نادر شاعرانی است که در اندازه‌های جهانی ظاهر می‌شود. شعر او آن اورگانیزم پنبه‌ای است که معمولاً نشانه‌ای هر چند دور از من حس شده را از هر طیفی که باشیم با خود دارد».

جایگاه و نقش کیان خیابو در شعر ترکی در آذربایجان همتا از با جایگاه احمد شاملو در شعر فارسی است با این تفاوت که کار کیان خیابو سخت‌تر از شاملو است چرا که با توجه به سیاست‌های رژیم ستم‌شاهی تا قبل از انقلاب جمهوری اسلامی ایران خواندن و نوشتن در زبان ترکی در آذربایجان تقریباً

غیرممکن بوده است و منابع چندانی در این زبان در دسترس خوانندگان نبوده با این حال کیان خیابو همچون شاملو به نوشتن شعر به زبان آرکائیک اقدام می‌کند و از کلمه‌های منسوخ شده‌ی این زبان در اشعارش بهره می‌جوید. و بسیاری از شاعران جوان ترکی زبان آذربایجان به تقلید از او اکنون شعر می‌نویسند. کیان خیابو از آن دسته شاعرانی است که قلبش جز برای شعر نمی‌تپد:

قلیم یک مدال
شاعر بودن و شاعر شدن
هر دو سوی این مدال.

و چنان زندگی‌اش را شعر پیوند خورده است که حتی در حال مرگ هم با شعر گفتن مرگ را به سخره می‌گیرد:
گردنم در طناب
دهانم در مزمزه کردن شعر
تقلید می‌کنم لحظه‌ی مردن را.

در یک کلام کیان خیابو را باید شاعر مرگ و زندگی نامید چنانچه عشق دائماً در این میان در رفت و آمد است چنانچه او را نه در زیر از مرگ هست و نه زندگی و او به درستی پارادوکسیکال حاکم میان مرگ و زندگی را در اشعارش نشان می‌دهد:

به طول زندگی‌ام دستانش را گرفته
چشمانم را به چشمانش دوخته
سینه‌ام را به سینه‌اش چسبانده
دماغم را به نوک دماغش سائیدم
آخ، این چه نوع معاشقه‌ای است